

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر: آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

کاملین

۱۳۱۱

طهرانی

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه غاهی است
قیمت اعلان سطری
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

پنجشنبه ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۷ خرداد ماه جلالی ۱۳۲۹ و ۶ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

محاكمه حقیقت

خلاصه تسایح مذاکرات مجلس اول آن شد
که راه شوسه قم و عربستان و قلاع هفتک که در آن حدود
ساخته شده است از پول مالیات خود وطن بدستیاری
و مهندسی یکفر فرزند این وطن بر حسب حکم
پادشاه وطن ساخته شده است و مدعیان بخیانت او را
بانگلیسان واگذار کرده اند - این فقره در دفتر وزارت
عدلیه ثبت و ضبط و ورقه نیز نوشته و رئیس و قاضی
محکمه و سکرتر مهر کرده بوطن سیر دهند. انگاه وطن
عرض کرد ایها القاضی اکنون که تقصیر معین و معلوم
شد مجازات این تقصیر را نیز خوب است معین فرموده
باطاق اجراء بفرستید تا در موقع اجراء آید - قاضی
گفت مگر خبر ندارید وزارت عدلیه هنوز قانونش مرتب
نشده است تا اکنون یا نصد ماده قانون نوشته بمجلس
مقدس شوری ملی فرستاده اند تصحیح شود البته بعد
از تصحیح و امضاء پادشاه بر طبق فصول آن مجازات
داده خواهد شد -

مجلس اول منقضی شد همگی بر خواستند باطابق
جلو که مخصوص راحت و صحبت غیر رسمی است رفته ،
چون مادر وطن را بی اندازه ضعف عارض شده و رفتن
بمنزل ممکن نبود قاضی در خواست کرد ساعتی باطابق
راحت رفته مشروبی تناول نموده اندکی بحال آمده
انگاه عودت بخانه خود کند - نگارنده نیز نظر بشغل
روزنامه نویسی نن گرفته خدمتشان رفتم مگر در ضمن
صحبت غیر رسمی مطالبی بدست آورد. در روزنامه
بنویسم آخر من بد بخت چکنم سواد درستی که ندارم

زبان هم که نمیدانم که از جرائد خارجه نقل و ترجمه
کنم سلیقه یا کیزه هم در من نیست که يك مطلب جزئی را
آب و تاب داده ستون دراز روزنامه را برکنم تلکرافات خارجه
هم بدرد کسی نمبخورد و روزنامه و اخورده طالب
پیدا نمیکند، عجب بدبختی روی بمن کرده روزنامه
یومیه باحظ ریز چهار صفحه از چه برکنم تا کی میشود
دوسه مطلب را مکرر کرد خلق از بسکه شنیده اند این
چند کلمه را اتحاد، اتفق، ظلم، استبداد، ...
دیگر سیر شده اند یلو شکر را هم آدم چهار روز که
حورد مترجر میشود لابد باید هر جا دوسه غر جمع
میشود حاضر گشته یا شش گوش کما تشنان را شنیده
ضبط نموده شب در حانه يك نویس کرده با آب و تاب
در روزنامه درج کنیم - باین ملاحظه رورا سفت
کرده باطابق خلوت وارد شدم چند دقیقه گذشت مادر
وطن اندکی بحال آمد وای هرچه گوش میدهم حرفی
که بکار من بخورد شنیده نمیشود لابد خودم حرف را
سبز کرده برسدیم واقعا جناب وطن بفرمائید از طهران
ببرستان چند راه است؟ غرض اصلی شما از شوسه
کردن این راه چه بود؟

وطن نامه که دلالت بر نا امیدي زیاد میکرد بر
آورده گفت بدانکه از طهران که بمنزله قلب من است
تا عربستان دورا است که بمنزله دوشریان عمده
هستند و هر دو را این ستمکاران از بدن من بریده
بانگلیسان فروختند اول راه لرستان است که از طهران
بسم و عراق و بروجرد و خرم آباد فیلی و دزفول و
شوشتر و اهواز رفته از اهواز گذشته بمحمره منتهی
میشود و این همان راه است که خود ساخته و رنجها

برای تعمیر آن متحمل شدم و بالاخره از دستم بیرون کردند دوم راه بختیاری است که از طهران بقم و کاشان و نطنز (یا فهرود) و اصفهان و گارن سفلی و چهار محال بختیاری و رام هرمز و شوشتر و اهواز گذشته بمحمره ختم میشود - این راه را هم این بد بختان بانگیسان دادند - سکر تر قاضی با کمال تعجب پرسید ای وطن این چه سخن است که میگوئی من اطلاع صحیح دارم که این راه را بخوانین بختیاری داده اند - وطن جواب داد افسوس که شما درست از حیا و مکر این مردم خیر ندارید و از خیانتهای آنها اطلاع کامل ندارید بدان و آگاه باش که این بد جنسان در فروختن قطعات و اعصاب و عضلات من هر نوع خدعه و شیطنت بکار بردند و چیزی فروگذار نکردند

اینراه بایداز میانه اراضی بختیاری عبور کند و عشایر بختیاری که چادر نشین و بانظریه در اراضی و مراتع خود متمصب اند ممکن نبود راضی شوند انگلیسان در خاکشان تصرف نمایند لذا خائنین چنان صلاح دانستند که خود خوانین طایفه را نیز داخل کرده دستشان را زیر سنگ بگذارند باین وسیله رابطه بین انگلیسان و خوانین پیدا شده انوحشت و دهشتی که از احباب دارند تمام شود و چون رؤسای قبیله قبول کردند زبر دستان بالتبع تمکین و تسلیم میشوند

اما غرض اصلی من از ساختن اینراه آبادی خطه وسیع حاصل خیز اهواز بود و تعمیر راه مقدمه بستن سد اهواز بود تا آن اراضی بایر را که مسکن حیوانات وحشی است کستان ارم و رشک ممالک روم و فرنک نمایم شهرهای پاکیزه در آنجا بنا کرده ایران را بهشت برین نمایم و سالیانه کرور ها ثروت بفرزندانم از محصولات طبیعی خود بدم لکن خدا بکشد حکومت عربستان را که بواسطه گرفتن سه هزار لیره از انگلیس اسباب اخلال اینکار را فراهم آورد و مهندسین ماهر که فرزندان عزیز خود بودند متهم بیعلمی و عدم کفایت نمود - قاضی گفت از فراری که ما شنیده ایم حاجی نجم الدوله از عهده نتوانسته است برآید و بدین سبب این عمل بزرگ در عهده تعویق افتاده است - وطن گفت معاذ الله نه چنین است اگر باور ندارید در سر سد اهواز رفته تماشا کنید هنوز صندوقی که بقصد بستن سد در آب افکنده است در جای خود بر قرار است و آب بان عظمت نتوانسته است او را حرکت دهد

چون سخن بدینمقام رسید دیدم خوب مطلبی در میان آمده و مردمان روزنامه خوان یعنی وطن پرستان

و ارباب غیرت خیلی مایل بشنیدن این مسئله هستند و مدتهاست در این موضوع صحبت میکنند باندازه محبت آبادی این قطعه خاک در قلوب مردم است که چون دولتیان خواستند استقراض نمایند اسکاوت عامه و تسکین مردم را به بستن سد اهواز نمودند که غرض عمده از این استقراض آبادی خطه وسیع خوزستان و اهواز است ولی چون خاق ملتفت شدند که این امر یک نوع چشم بندی و حقه بازی بود بصدا آمده حرکات دلیرانه و مردانه در برابر قشون استبداد نموده تا آنکه لشکر مستبدان را شکست داده سنکرها از آنان گرفتند و بالاخره زمام اختیار مطلقه مستقله را از دست دولتیان گرفته از قبل خود و آلاء و نمایندگان معین نمودند تا پادشاه دیدار رؤف را کمک کرده از چنگ ظلم حواشی خلاص نمایند پس خوب است در اینخصوص پارچه اطلاعات صحیحه کسب کرده در ستون روزنامه بنویسم بدین خیال جلو رفته عرض کردم تفصیل این سد چیست؟ آیا مقدار مخارجش چه قدر است از عهده ایرانیان برمیآید؟ از قراریکه در دو سال قبل مهندسین هلندی راپورت داده بودند هفت کرور مخارج او را برآورد کرده اند آیا صحیح است یا خیر؟

وطن گفت این سد بزرگترین یادگاری از فرزندان رشید گذشته ام بوده که اکنون از داغ آنها دلم خون است جوان کامگارم شاپور ذوالاکناف این بند را بسته مهندسش امپراطور کل ممالک روم بود چون انشیر غران دلاوری برخاک روم حمله برد و بیک حمله مردانه قشون روم را از هم پاشیده امپراطور عظیم الشان رومیه را که در مرکز خود بر نصف عالم حکمرانی میکرد باسارت گرفت بستن اهواز را بدو محول نمود - در نقطه اهواز که مبنای سد است عرض رود خواجه بر وجه تحقیق هزار ذرع است و از حسن خدمات طبیعت آنستکه یک رک کوهی از طرف مشرق بمغرب کشیده از وسط این شط موربا گذشته است و بنای سد را در روی این رک کوه گذارده اند - در زمان انقلاب احوال من این سد آنک اختلالی پیدا کرده آب از انتفاع افتاده است یعنی دو نلعه بزرگ بر این سد وارد شده دو نقطه از آن خراب شده است یکی عرض یکصد و پنجاه ذرع و دیگری عرض هشتاد ذرع است که آب در این نقطه ریشه سد را کند است ولی بقیه سد که تقریباً هفتصد و هفتاد ذرع است بر حال خود باقی است و در فصل تابستان یعنی اواخر برج اسد و اوایل سنبله که هنگام کم شدن آب است اغلب از مواضع سد خارج از آب و جریان آب از همان دو نقطه است که خراب شده است و هر کدام دوازده الی پانزده ذرع عمق دارند

این مسئله مشخص است آبی که هزار ذرع عرض و پانزده ذرع عمق محوری لازم داشته باشد بعد از آنکه مجرایش منحصر بدویست و سی ذرع عرض بشود انهم باید از رك كوهی که عرضش از هزار به شیب جاری شود تا چه اندازه زور و قوت خواهد داشت و چه قدر باید پول خرج کرد تا جلو این آب پر زور را گرفت چنانکه الان اگر بخواهند کشتی را برخلاف جریان آب عبور دهند باید بیست سی رشته طنابهای محکم بر او بست و بنوعیت کثیری آن طنابها را بقوت تمام حرکت بدهند باز هم بسا اوقات عبور کشتی ممکن نشده است این است که وقتی مهندس فرنگی بالای این شط رفته قوت آب را ملاحظه میکند میگوید هفت کرور پول لازم است تا این سد بسته شود ولی واقع چنین نیست و اینقدرها پول لازم ندارد من از قطعات بدن خود مسیوئتر از اجانبم بجهت بستن این سد چاره منحصر بیک امر است که قوت آب را باید کم کرد و محال است تا قوت آب بهمین حال است بتوان سد را بنیان نمود همان کار را باید کرد که گذشتگان کردند

پرسیدم مگر گذشتگان قوت آب را کم کردند و بیچه وسیله باین مقصود رسیدند

فرمود بدانکه چندین رود خانهای بزرگ و کوچک بهم متصل میشوند تا این رود کارون باین عظمت میشود سابقین در جلو این رود ها سد های کوچک بسته بودند و قسمتی از آب آنها را گرفته زراعت میکردند و این کار دو فایده داشت یکی آنکه قوت آب در نقطه اهواز کم میشد ، دیگری آنکه در بالا آبادی و زراعت زیاد پیدا میشد و الان نیز اگر چنین کنند و سد های جلور اول ببندند اهواز صاحب ده شهر بزرگ آباد میشود و آنوقت در کمال سهولت با صد هزار تومان میتوان این سد بزرگ را ترمیم کرد پس کبیهدویست هزار تومان خرج دارد نصف برای سد بزرگ و نصف جبهه سدهای کوچک

گفتم این سدها کدام است و در کجاست ؟

فرمود سابق در طول کارن و شاخهای آن چندین سد بسته بودند که اکنون همه خراب است از آن جمله : (۱) در قلمه رستم بالای قلمه (کتوند) در چهار فرسخی شوشتر سدی بوده که نهرهای آن هنوز باقی است (۲) در بالای ریگستان بیک فرسخ فاصله از شوشتر نهر دختر بوده

(۳) در بالای بند قیر در قریه جریه سده

(۴) در خود بند قیر

(۵) از رود دزفول بالای قلمه بندر و نزدیک انجا سد شعبیه

- (۶) رود چند شاپوری
 (۷) رود عقیرب که وارد رود دزفول میشود
 (۸) سد ویس حله و دله
 (۹) سد بزرگ اهواز
 (۱۰) در کوت عبد الله الی قصبه سابقه
 (۱۱) سد مرحوم محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه مغفور است معروف به (بند میزان)

رفع اشتباه

درنمره ۱۶ روزنامه مبارکه شرحی در خصوص تخم مرغ هر صندوق دوازده قران که سابقا حکام میگرفتند حاله انجمن ملی میکیرد مرقوم فرموده بودید لازم گردید که اطلاعات خود را بعرض رسانم تا رفع اشتباه شده و مفرضین اعضای انجمن محترم ملی را که مردمان بیغرض و خادم ملت و دولت میباشند بیول گرفتن بعنوان رسوم یا سایر عناوین متهم ننمایند

حقوق گمرکی تخم مرغ به موجب تعرفه دولتی معین تجار در موقع حمل بخارجه آنچه را پرداخت کرده و میکنند این دوازده قران نه گمرک است نه مالیات نه تفاوت عمل و نه در کتابچه ضبط و نه دیناری ازین معر عاید دولت ابد مدت میشد

این وجه را فقط حکام مستبد با زور و بی حساب گرفته با چند نفر از رشت که ذکر اسامی آنها مناسب نیست میل میکردند

آن دوره کسی هم نبود بعرض تجار رسیده می و رفع این اجحاف فاحش را بکنند تا اینکه در این اوقات از برکت مجلس مقدس شورای کبرای ملی شید الله ارکانه بساط عدالت گسترده و دست ظلم و تعدی تا اندازه کوتاه شد دیگر تجار زیر این بار گران زفته وجه را بگماشتگان اشخاص سابق ندادند

اگر چه سپهدار قدری ایستادگی کرد ولی از بس بی حساب بود دنبال نمود

بعد تجار ملاحظه کردند اگر این وجه را ندهند لابد زیادتیر تخم مرغ حمل بخارجه خواهد شد و قهرا قیمتش ترقی کرده فقراء و ضعیفاء از آن محروم خواهند ماند

و در این بندر معتبر بجهت نوابوکان و وطن عزیز مدرسه قابل و مریضخانه بجهت مرضای غرباء تاکنون میباشند خودشان عریضه بانجمن عرض کردند که ما تجار هر صندوق دوازده قران تخم مرغ را با طیب خاطر تقدیم کنیم که در تحت نظارت اعضای انجمن بمصارف فوق الذکر برسد عریضه شان موجود و در انجمن ملی ضبط است

ترجمه تلکرافات خارجه

بموجب تلکراف برلن دست یلیس برانتین نه محصلین روسی رفته ۲۵ ققرا گرفته بعد بیشتر از انها را رها کرده اند این کار و بعضی اقدامات سخت دیگر بجهت این است که محصلین را از دخالت در امور داخله معامت کنند

جهانگرد امریکائی موسوم به ولمان روز ۱۹ ربیع الاخر بطرف جزایر سپتربرک حرکت کرده و در آخر ماه ژوئیه (۲۱ جمادی الاخر) با بالون بزرگی بسمت قطب شمال خواهد رفت با لون مزبور ۱۳ نفر دیگر با اذوغه ده ماهه همراه دارد

محکمه عالی میسوری که یکی از ایالات متحده امریکا است حکم کرد شرکت ستاندارد اوآل کمپانی و شعب آنرا از ولایت مزبور بیرون کنند

سیو فیشون جوایرا که دولت مراکش در باب تکلیفات دولت فرانسه داده و وعده قبول و اجرای آنها را نموده در مجلس وزرا قرائت کرد وزیر مختار فرانسه را که در تانجر اقامت دارد حکم فرستاده شد که ببیند مراکش بوعده خود وفا میکند و از اینمطلب تحصیل اطمینان نماید

نیز مشارالیه لایحه از سفیر فرانسه مقیم تکیو اظهار داشت که نوشته بود میان دولتین فرانسه و ژاپن من باب معاهده که در کار اتمام آن هستند موافقت تمام دست داده و دیگر چیزی منحل گفتگو نیست

وزیر مختار اسپانیا مقیم اسلا بیول سانحه کشتی کیلیو رفرا غنیمت شمرده و از باب عالی بجهت حمله که اعراب بکشتی مزبور برده وجهه الخساره میخواند و نستون چرچیل اظهار داشت که مبلغ هزار لیره بجهت تعلیم و میان افریقای مرکزی داده شده است مخبر روتر از (هنگو نک) تلگراف میکند که بموجب رایر تهمایی (سوان تون) در ولایت (ونک کون) و شهر ششان شورش سختی برپا شده تمام مستخدمین دولت و نظامیانرا کشته و عمارات دولتی را آتش زده اند بجهت استقرار امنیت قشون فرستاده شد

در برتغال اوضاع سیاسی خیلی سخت است و گلاذ و اعیان چند انجمن کرده اظهار داشتند که سلطنت بخود کامی برای ملت و خانواده سلطنتی خطرناک است هفت نفر از اعضای دار الشورای ملی پادشاه اسپانیول که پرتغال است لایحه برضد استبداد سلطنت نوشته اند

نه عشر معدنچیان راند دست از کار کشیده مهندسین از همراهی باشورشیان خود را میدزدند

حسن الحسینی الکاشانی

از انجائیکه محصور (نی) حیاط شمس العماره بکلی خراب و مرتع دواب شده بود اعضای انجمن بر عایت الاهم فالاهم از وجه تخم مرغ اول حصار شمس العماره را مقدم داشته و بطرز قشنگ مشغول شده نزدیک به تمام است اگر چه تعمیرات عمارات دولتی فرض ملت نیست چون در اظفار خارجه و داخله خیلی اسباب تحقیر و توهین شده بود بحداله اقدام نموده و خدمت بزرگ بملت و دولت کردند

تا اینجا که عرض کردم ناچارم از عرض يك مسئله و آن این است که خود شمس العماره را سه سال قبل بلژیکی ها تعمیر کرده مبلغ هکتی بول دولت را گرفته عوض تعمیر خراب کردند بطوریکه تمام اهل اتزلی مسبوق میباشد اگر تا دو ماه دیگر اقدام به تعمیر نشود این بنای عالی منهدم خواهد شد استدعا دارم که از عیوبات و نواقصت عریضه اغماض و در روز نامه مبارکه درج فرمائید بلکه انشاءاله اولیای دولت ابد آیت قاهره علاج نموده و نگذارند که این عمارت قشنگ بکلی خراب شود در این ایام مشکل است که دوباره مثل این عمارت را ازنو بسازند (احمدزاده اسمعیل تبریزی)

مکتوب شیخی

روز پنجشنبه شهر حال از منزل بیرون آمده طرف میدان توبخانه عازم گردیده در بین راه نتایج اقدامات مجدانه وکلای محترم را در خصوص برگشت تیولات ملاحظه نموده به تاسیس مجلس مشکر و بحسن اقدامات مجلسیان تحسین میگفتم بک مرتبه قال و قبلی شده سر بازی را با لباس نظام و تهنک دیدم جلو و قطار شتریرا که بار سوخت دکان خیازی داشت گرفته مشغول کشیدن ویر ساریان تشدد نمودن هستند از این حرکت متعجب گشته متحیر گردیده پیش رفتن یکی از سرباز ها را پیش خود خواندم و بلاایمت عات این حرکت را پرسیدم بعد از چند دقیقه در جوابم گفت معلوم میشود شما غریبید و از نظام طهران بی خبرید زیرا این کار مدتهاست معمول و سوخت وارده بطهران قبول ما است از شنیدن اسم تیول بیشتر از بیشتر منقلب گردیده و بر خود پیچیده مجدداً توضیح این مسئله را از سرباز خواستار شدم اسم سرتیپش را پرسیدم مکرر کرد گفت ما از فوج شجاع السلطنه هستیم و از این محل به صاحب منصبهای خود مان حقی میدهم برگشتم و بر خود گفتم (آنچه بیندو ختم در همه عمر آب بریال بود باد بهاون) باری از وکلای محترم و وزرای مکرم استدعا مینمایم به این جزئیاتهم توجهی فرمائید